

شعر زمان ما

۴

فروغ فرخزاد

شعر فروغ فرخزاد از آغاز تا امروز

شعرهای برگزیده

تفسیر و تحلیل موفق ترین شعرها

از

محمد حقوقی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

فصل اول (جوانب کار شاعر)

عدم تنوع در شعر فروغ ۱۱ - دو نیمرخ چهره فروغ ۱۲ - واژه‌های بسامدی سه مجموعه دوره اول شعر فروغ ۱۳ - جمع واژه‌های بسامدی در سه مجموعه دوره اول ۱۴ - وضع واژه‌های دوره اول در دوره دوم شعر فروغ ۱۵ - جمع واژه‌های بسامدی دوره دوم شعر فروغ ۱۶ - چهارده واژه بسامدی نماینده اندیشگی دوره اول شعر فروغ ۱۷ - نوسان واژه‌های بسامدی در دو دوره شعر فروغ ۱۸ - کلمات و ترکیبات وارد در دوره دوم شعر فروغ ۱۹ - تعبیرات شاعرانه جدید در شعر فروغ ۱۹ - مفهوم «شب» و «عشق» در دوره دوم شعر فروغ ۲۱ - سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی پایان حرکت شبانه شاعر با نیروی عشق ۲۲ - پنجره مهم‌ترین واژه بسامدی دوره شعر فروغ ۲۳ - واژه‌های بسامدی «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم» ۲۵ - چهارده واژه بسامدی دوره شعر فروغ ۲۶ - اختلافات دودنیای اول و دوم شعر فروغ ۲۷ - پنجره، وسیله ارتباط شاعر با جهان ۲۸ - آگاهی و نگاه و سکوت، جواهر سه گانه معرفت شاعری ۲۸ - «فروغ» و رابطه او با شعر «شاملو» و «نیما» ۲۹ - حرکت فروغ تا مرز آگاهی هنری ۳۰ - تفاوت چارپاره‌های فروغ با دیگر چارپاره‌ها ۳۱ - وسعت بینش و قدرت

آفرینش، علت حرکت فروغ از دوره اول به دوره دوم ۳۲- شش عامل مؤثر در رسیدن فروغ به جوهر معنوی و شکل صوری ویژه شعر خود ۳۳- دوره دوم، دوره کمال همامیزی فروغ شعر و شعر فروغ ۳۵- نیروی جاذبه ذهن فروغ در جذب کلمات گوناگون ۳۷- عبور شعر فروغ از اوزان گوناگون دوره اول تا سه وزن تند دوره دوم ۳۸- تأثیرپذیری و تأثیرگذاری شعر فروغ ۳۹- فرو رفتن ها و فراخاستن های فروغ در غوطه‌وری خود در طبیعت و واقعیت ۴۰- «پنجره» فروغ، مبداء و مقصد سفره‌های ذهنی شاعر ۴۲- فروغ، ذات و هوشیار و آگاه ۴۳- فروغ، شاعری خودساخته و خودشناخته ۴۴- فروغ، امروزی‌ترین و شهری‌ترین شاعر معاصر ما ۴۹- شعر فروغ، شعر «حرفی» و نه «ساختاری» ۵۰

فصل دوم (شعرهای برگزیده)

- اسیر ۵۵
توضیح ۶۱
یادی از گذشته (۶۴) پائیز (۶۶) گریز و درد (۶۸) دیو شب (۷۱)
بازگشت (۷۴) بیمار (۷۷) دختر و بهار (۸۰) خانه متروک (۸۲) در برابر خدا (۸۵) ای ستاره‌ها (۸۹) صبر سنگ (۹۲) صدایی در شب (۹۷)
دیوار ۹۹
توضیح ۱۰۱
رؤیا (۱۰۴) نغمه درد (۱۰۸) گمشده (۱۱۱) اندوه پرست (۱۱۴) قربانی (۱۱۶) سپیده عشق (۱۱۹) اندوه تنهایی (۱۲۲) شکوفه اندوه (۱۲۵)
پاسخ (۱۲۸) دیوار (۱۳۰) تشنه (۱۳۳) دنیای سایه‌ها (۱۳۶)
عصیان ۱۴۱
توضیح ۱۴۳
شعری برای تو (۱۴۶) پوچ (۱۵۰) دیر (۱۵۳) گره (۱۵۷) بازگشت (۱۶۱) بعدها (۱۶۵) بلور رؤیا (۱۶۹) جنون (۱۷۲) زندگی (۱۷۵)

- تولدی دیگر ۱۷۹
توضیح ۱۸۱
آن روزها (۱۸۴) باد ما را با خود خواهد برد (۱۹۰) دریافت (۱۹۳)
وصل (۱۹۷) عاشقانه (۲۰۰) عروسک کوکی (۲۰۵) در غروبی ابدی (۲۰۹)
معشوق من (۲۱۵) مرداب (۲۱۹) جمعه (۲۲۳) آیه‌های زمینی (۲۲۹)
هدیه (۲۳۱) دیدار در شب (۲۳۳) وهم سبز (۲۴۰) فتح باغ (۲۴۵)
تولدی دیگر (۲۴۹)
ایمان بیاوریم ۲۵۵
توضیح ۲۵۷
ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد (۲۶۰) پنجره (۲۷۵) دلم برای باغچه می‌سوزد (۲۸۰) کسی که مثل هیچکس نیست (۲۸۷) تنها صداست که می‌ماند (۲۹۳) پرنده مردنی است (دلم گرفته) (۲۹۷)

فصل آخر (گزیده مقالات)

۱. مقدمه ۲۹۹
۲. درآمد- متن ۳۰۱
۳. درآمد- متن ۳۰۳
۴. تولدی دیگر، ناقوس هشدار ۳۳۱

جدول ۴

جمع واژه‌های بسامدی دوره اول در دوره دوم شعر فروغ

شماره	بسامدها	تولدی دیگر	ایمان بیاوریم	جمع
۱	شب و تاریکی	۸۰ بار	۲۸ بار	۱۰۸ بار
۲	عشق	۴۵	۱۵	۶۰
۳	پنجره	۳۰	۲۵	۵۵
۴	گور و مرگ	۲۵	۱۰	۳۵
۵	ستاره	۲۸	۷	۳۵
۶	دست	۲۵	۵	۳۰
۷	بوسه	۱۷	۳	۲۰
۸	دل	۱۲	۸	۲۰
۹	لحظه	۱۲	۳	۱۵
۱۰	خدا	۷	۳	۱۰
۱۱	امید	۵	۳	۸
۱۲	حسرت	۳	۱	۴
۱۳	آغوش	۳	۱	۴
۱۴	زندان	۳	۱	۴

چنانکه در مجموع چهار جدول پیداست، در دیوان «اسیر» واژه «دل یا قلب» بیشترین «بسامد» را داراست؛ و در دو دیوان «دیوار» و «عصیان»، واژه «شب» و «اما دومین» «بسامد» در دو دیوان اول، واژه «عشق» است که در کتاب «عصیان» با واژه «خدا» جای عوض می‌کند. و این طبیعی است. چرا که مجموعه «عصیان» با دو مجموعه اول، که بیشتر شامل احساسات غریزی زنانه شاعر است، تفاوت دارد و اغلب مخاطب «فروغ» در این کتاب واژه «خدا» است.

نیز واژه «شب» که در دیوان «اسیر» در جای سوم قرار می‌گیرد، در «دیوار» و «عصیان» مرتبه دوم را حائز می‌شود. و واژه «دل» که در «اسیر» در جای اول مستقر است، در «دیوار» در مکان سوم و در «عصیان» بر پله ششم استقرار می‌یابد. و همینطور قیاس کنید جایگاه دیگر واژه‌ها را در هر سه دیوان.

این «بسامد»ها در دوره اول شعر «فروغ» مبانی اندیشگی او را چنان آشکارا نشان می‌دهند که اگر هر چهارده واژه، در برابر یک خواننده ناآشنا به شعر وی، اما آشنا به شعر نهاده شود، به راحتی و سهولت، به حدود اندیشه و «دید» او در همان وهله اول پی خواهد برد. و خواهد گفت که شاعر این قطعات، به اغلب احتمال زنی است که در چار دیوار اسارت خانگی، در برابر سنت‌ها و اخلاقیات معمول خانوادگی می‌ایستد و با جسارتی که خاص اوست، تنها احساسات و تمایلات غریزی خود را برملا می‌کند. و بدیهی است که برای بیان این ذهنیت محدود، جز به واژه‌هایی محدود همچون قلب، عشق، هوس، حسرت، امید، قفس، بوسه، آغوش، گناه، رؤیا و امثال اینها نیازی نخواهد بود.

و اما جالب اینجاست که در دو جدول «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم»، از میان واژه‌های «بسامدی» دوره اول نیز، همچنان واژه «شب» است که بالاترین جایگاه را داراست، و بعد، واژه «عشق»، که در سه مجموعه پیشین، نخستین پله را دارد. ولیکن دیگر واژه‌ها ناگهان در این

شعر «فروغ»
دنیای اندیشگی دوره اول
۱۴ واژه «بسامدی»ی، نماینده

دو دیوان چنان نزول می کنند که باور نکردنی است. مثلاً واژه «دل» از ۱۴۰ بار در سه دیوان اول (یعنی دوره نخست شعر «فروغ») به ۱۷ بار در دو دیوان دوم (یعنی دوره دیگر شعر او) می رسد. و دیگر واژه ها نیز در حد ۹ بار و ۷ بار و ۴ بار و کمتر متنزل می شوند و جای خود را به «بسامد» های جدید می دهند. اما در عوض، چهارده واژه ای که در سه دیوان نخستین یا جای نداشتند یا در پائین ترین وضع «بسامد»ی بودند مثل «پنجره» «ستاره» «دست» و «لحظه»، به تدریج صعود می کنند و در جایهای سوم و پنجم و ششم و نهم قرار می گیرند. مگر تنها دو واژه «شب» و «عشق»، که از میان همه این کلمات که در پنج دیوان «فروغ» درجات «بسامد»ی مختلف دارند، هم در دوره اول و هم در دوره دوم، همچنان به عنوان «بسامد» های اول و دوم در جایگاه خود نشسته اند. منتها با این تفاوت اساسی که از نظر «بعد» و «بار» تمایز این هر دو، در دو دوره شعر او کاملاً پیدا است. ولیکن دیگر «بسامد» ها در هجوم ناگهانی کلمات و ترکیبات گوناگون، که ذهن بسته «فروغ» «اسیر» پیش از آن هرگز حضور و ورود آنها را بر نمی تافته است، له می شوند و از میان می روند. واژه ها و صفتها و ترکیب هایی که در دوره اول، اغلب آنها حتی برای یکبار هم جایی در شعر او نمی یابند. و اینک در دوره دوم، خاصه برخی از آنها جزو «بسامد» های جدید و غالب شعر او می شوند. از جمله واژه های «صدا» «ماه» «ستاره» و «آب» که واژه اول حدود ۵۰ بار و سه واژه دیگر هر کدام حدود ۳۰ بار، و دیگر، کلمات «زوال» «دلهره» «اضطراب» «ویرانی» و مترادفات نزدیک به آنها بیش از ۶۰ بار و نیز صفاتی از نوع «منفور» «مغشوش» «مشکوک» «مسموم» و امثال اینها حدود ۶۰ بار همراه با کلمات و ترکیبات گونه گونه زیر با «بسامد» های مختلف، در عرصه متوسع شعر او از دحام می کنند:

تشخ — خوشبخت — گیسو — نور — روز — آسمان — خیابان — بیهودگی — زنده — غربت — زمین — خاک — جفت — عطر — اقیانوس — کشتی — تقویم — قانون — شناسنامه — روزنامه — اسم نویسی — ننون — خاک روبه — سیاه سرفه — مریضخانه

در دوره شعر «فروغ»
نوسان واژه های بسامدی

دو دوره شعر «فروغ»
«بسامد» ی اول و دوم، در «شب» و «عشق» دو واژه

اندراز — جارو — فرش — کیف — کلاس سوم — مدرسه — زنبیل — دوره گرد — چارچرخه — بازار — سیگار — خودکار — فندک — کفش — میز — سردخانه — حشرات — سوسک — رتیل — موش — بنگ — افیون — خمپاره — آتشبازی — توپخانه — مسلسل — حفرة های خالی — گنجشکهای مرده — توپهای ماهوتی — مراسم اعدام — طناب دار — تباهی اجساد — نوزادهای بی سر — دزه های فاسد بیهودگی — تجربه های عقیم — فضای شیمیائی — انبارهای باروت — غارهای دریائی — سوتهای توقف — همیسه های بلید — ازدحام پر هیاوو — جزیره نامسکون — ظرفهای مسین — یاهکاری مطبخ — انگشتان جوهری — عقابان جوان — سوره های رسولان — شکلهای هندسی — تیرهای تلگراف — هجوم ملخها — کارخانجات عظیم پلاسکو — حقوق تقاعد — رخت باسانی — حروف سربی — آسیابهای بادی — گلهای استوانی — گشتیان خسته — گرگهای بیابان — چکمه های لاستیکی — معیارهای سنجش — گیاهان گوشتخوار — قتل عام — اجتماع سوگوار — منطق ریاضی — سینمای فردین و...

دوم شعر «فروغ»
وارد در دوره
کلمات و ترکیبات

نمونه های کلمات و ترکیباتی که نمایی از چشم انداز پرهیاوهی دنیای شعر «فروغ» راستین را پس از تولدی دیگر نشان می دهند و شاعر را یا حرکت در این «نه تو» ی بی «ساخت»، که در حقیقت حاصل انفجار و انقلاب ناگهانی ذهن اوست، آماده می کنند، تا فرمان «دریافت» های تازه تخیل و تفکر خویش را از نگاه به ذهن و از ذهن به زبان خود صادر کند. و در نتیجه، این مصالح متفرق بسیط یا مرکب، در آزمایشگاه خیال او با یافتن مناسب ترین جفت های همنشین خویش، به تعبیرهای شاعرانه جدیدی بدل شوند که تا آن روز چشم هیچ شاعری یارای «دید» و «درک» آنها را در دنیای نو شعر پارسی نداشته است:

مردابهای الکل — خمیازه های موذی کشدار — دریافت ظلمت — ادراک ماه — حقیقه قانون — دستهای سیمانی — ستاره های مقوایی — هجای خونین — شقیقه های منقلب — حجم سپید لیز — دانش سکوت — دشتهای ناشناس — کرم روزنامه — اجتماع نرگس ها — گیسوی کاجها — وزش ظلمت — بهت معصوم — شب مسموم — عطرها منقلب شهر — حجم سیال — دریاچه های باد — شهوت تند زمین — وهم سبز درختان — تصویر معصوم — درک هستی آلوده زمین — یأس آسمان — کلاغهای منفرد انزوا — باغهای پیر کسالت — خطوط سبز تخیل — ذهن پنجره — پهنه های حسی وسعت — جهان بی تفاوتی فکرها — سیاهی ظالم — ته مانده های روز — حریق عطش — بخار گیج — ریشه های سفرین — مدرسه مسلول — ریسمان سست عدالت — فاصله کاذب — همسر مصنوعی — حقام ادکلن — رسالت ویرانی — دستمال تیره قانون — شعور نور — حکومت محلی کوران — تدوین نظامنامه قلب و...

فروغ
در شعر
تجدید